

تجربه آزمون تافل

علی

تهیه شده برای گروه تافل هلدینگ پرگار

<http://pargar.group>



PargarWiki



PargarTOEFL

خلاصه وضعیت:

تاریخ آزمون	نمره ریدینگ	نمره لیسنینگ	نمره اسپیکینگ	نمره رایتینگ	نمره کل	سنتر	تعداد لغات تسک ۱ رایتینگ	تعداد لغات تسک ۲ رایتینگ
۳۱ فروردین ۱۴۰۱	30	29	23	28	110	سنجش	۳۷۰	۴۹۵

تجربه سنتر:

من برای انتخاب سنتر زمان نذاشتم و سترها رو هم نمیشناختم، در حدی که نمیدونستم NOET مخفف سنجش هست! فقط با یه سوال از یکی از دوستان سنجش رو انتخاب کردم. ولی در کل از سنتر سنجش راضی بودم. مراقبین خوب و خوش برخورد بودن و مزاحمتی ایجاد نکردن. از کبیرد راضی بودم و تایپ کردن باهاش اذیت کننده نبود. هدست هم خوب بود و صدا رو خوب پخش میکرد و نویز زیادی هم از بیرون نشنیدم. من تافل ۳ ماک داده بودم و اونجا یه مقدار سر اسپیک اذیت شدم اما سنجش واسه من خوب بود و صدای دیگران اذیت کننده نبود. نقاط ضعف سنتر هم به نظرم یکی صدلی اش بود که برای سه ساعت نشستن خیلی راحت نبود و دوم اینکه یه مقدار صدای سیستم تهویه میومد که البته ظرف پنج دقیقه اول امتحان دیگه عادی میشد و توجهم بهش جلب نشد. در کل سنتر مناسبی بود و از انتخابش راضی ام.

پیشینه زبان:

من از پنجم دبستان کلاس زبان میرفتم و تا سوم دبیرستان ادامه دادم. کلاس رفتن مداوم خیلی روی ایجاد پایه زبانی قوی و علاقه به زبان در من تاثیر داشت. از زمان ورود به دانشگاه (سال ۹۰) دیگه کلاس نرفتم، اما همیشه ارتباطم رو با زبان حفظ و تقویت کردم و این باعث شد پایه خوبی داشته باشم. دیدن فیلم و سریال و خوندن متون انگلیسی به طور مداوم به من خیلی کمک کرد.

من سعی کردم فیلم و سریال رو با زیرنویس انگلیسی بینم و این کار به تقویت واژه و لیسنینگ خیلی کمک کرد. اوایل کار دیدن فیلم با زیرنویس انگلیسی سخت بود و مدام باید pause میکردم و معنی کلمات و جملات رو سرچ میکردم، واسه حل این مشکل هم هر جا لغت جدید خوبی می دیدم یادداشتش میکردم. کلی لغت رو با معنی شون توی یه فایل word یادداشت کردم و مرورشون میکردم و بعد از مدتی دیگه کمتر اذیت میشدم. بعد از چند سال هم برای فیلمهای راحتتر دیگه سعی کردم زیرنویس رو حذف کنم. مجموعاً حدود ۷۰۰ فیلم دیدم (عمدتاً زبان اصلی) و سریال هم GOT, Dexter, Hannibal, Breaking Bad, House of cards, South Park, Lost و یه تعداد سریال و مستند دیگه رو هم دیدم.

دیدن sitcom هم به خاطر نوع زبان ملموسی که استفاده میکنن خیلی کمک کننده بود که خودم Friends, HIMYM, the office, ted lasso و Seinfeld رو اخیراً دیدم. هم تا حدودی به درد زبان می خورد هم جذاب بود. دیدن سریال شاید مستقیماً به درد تافل نخوره اما به تقویت لیسنینگ و ایجاد ارتباط با زبان کمک میکنه. برای متن هم من همیشه خوندن انواع متون انگلیسی همیشه توی برنامه ام بوده. حدود ۴ سال هم میشه که هر روز حداقل

یک ساعت موضوعات علمی مختلف رو از ویکی پدیای انگلیسی و سایر سایت ها میخونم. کلا همیشه سعی کردم فارغ از داشتن امتحان زبان، با انگلیسی درگیر باشم به هر نحوی و در هر سطحی که ممکنه هر روز باهاش تعامل داشته باشم.

مقدار ساعت و الگوی مطالعه هفتگی:

من کلا چیزی به اسم الگوی زمانی مطالعه ندارم و همه رفتارهام از نظر زمانی آشوبناک هست (: شاغل هستم و ساعات کاری طولانی و سنگین دارم و برای تافل هم نتونستم مرخصی زیادی بگیرم (کلا سه روز مرخصی گرفتم، یک روز برای امتحان ماک و دو روز هم برای خود امتحان اصلی). شاغل بودن باعث شده بود ساعات مطالعه ام محدود بشه. من کلا سه ماه و نیم به هدف تافل درس خوندم که میانگین هفته ای کمتر از ۲۰ ساعت درس می خوندم . هر روز غروب که از سر کار بر می گشتم یه مقدار ریلکس میکردم و دو اپیزود sitcom می دیدم که یه کم فضا عوض شه. بعدش شاید نهایتا دو ساعت فرصت داشتم که درس بخونم. سعی میکردم تا اونجایی که ممکنه آخر هفته ها رو بیشتر به درس اختصاص بدم. ولی دو هفته تعطیلات نوروز مجموعا حدود ۵ ساعت درس خوندم (سه تا تی پی او ریدینگ زدم و روزی ۱۵ دقیقه کلمه خوندن از ممرايز). من خیلی زیاد و با تمرکز درس نخوندم، با این حال سعی میکردم همیشه از اوقات مردهام به یه طریقی استفاده مفید بکنم، مثلا واژه می خوندم یا وقتی توی مترو بودم سمپل رایتینگ یا نکته گرامری می خوندم.

تجربه شرکت در کلاس های زبان:

در مورد کلاس زبان در زمان محصل بودن توی بخش بالایی گفتم. برای تافل هم تابستان ۹۷ کلاس رایتینگ دکتر خادم رو شرکت کردم، ولی اون موقع تافل ندادم و با توجه به فاصله زمانی زیادی که ایجاد شد خیلی توی این امتحان تافل من تاثیری نداشت. با این حال کلاس خوبی بود و به نظرم میتونه واسه خیلی ها مفید باشه. اما با توجه به شاغل بودنم و محدودیت زمانی که داشتم برای این امتحان تافل کلاس نرفتم و کاملا خودخوان کار کردم.

تجربه شرکت در آزمون های آزمایشی:

تاریخ آزمون	نمره ریدینگ	نمره لیسینینگ	نمره اسپیکینگ	نمره رایتینگ	نمره کل	سنتز
۲۵ اسفند ۱۴۰۰	۳۰	۳۰	۲۵	۲۷	۱۱۲	تافل ۳

به نظرم شرکت توی ماک میتونه خیلی مفید باشه. هم فضا سازی امتحان اصلی تا حدی انجام میشه و هم یه تعیین سطح خیلی خوب هست. شبیه سازی میتونه کمک کنه استرس شرایط امتحان کم بشه. من تایمش رو نداشتم که دوباره قبل از امتحان ماک شرکت کنم، ولی دوس داشتم اگه میشد یه بار دیگه هم ماک بدم. تافل ۳ هم فضای خوبی داشت، یه سری از شبیه سازی های امتحان اصلی انجام نشده بود (مثل تست صدای اسپیکر) اما در کل خوب بود. سوالات به نظرم تا حد قابل قبولی با امتحان اصلی تناسب داشت. در مورد تصحیح رایت و اسپیک حقیقتا خیلی مطمئن نیستم اما حس میکنم یه مقدار از امتحان اصلی مهربون تر نمره میدن. در کل شرکت توی ماک تجربه بسیار خوبی بود و باعث شد مسیر مطالعه ام دقیق تر تنظیم بشه و اعتماد به نفس خوبی هم بهم داد.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای لغت:

من قبل از استارت امتحان تافل کتاب های , 504, 125 More difficult words (504)

essential words for Toefl و 400 Most have words for Toefl رو خونده بودم. من چندین سال هست از ممرايز استفاده میکنم و کلا به محیط و روندش عادت کردم و کلمات رو هم همونجا میخونم. موقعی که واسه تافل شروع کردم به درس خوندن مشغول خوندن کتاب ۴۰۰۰ بودم. من هر ۶ کتاب رو خوندم اما کتاب های یک و دو و سه تقریبا کامل ignore شدن. تا اواسط اسفند کتاب ۴۰۰۰ رو تموم کردم و بعدش ۱۲۱۲ رو خوندم که این دو تا کتاب به نظرم بسیار کامل و شامل و جامع و مفید هستن. با توجه به اشتراکات زیاد این دو تا با هم، خیلی از کلمات ۱۲۱۲ رو ignore کردم که این باعث شد زمان زیادی واسه خوندنش صرف نشه. برای تثبیت واژه هم مرور هر روزه کلمات با استفاده از ممرايز در دستور کارم بود و همیشه همه این کتابهایی که اسم بردم رو مدام مرور میکردم. استفاده از speed test رو خودم خیلی دوس داشتم و واسه من مفید بود. کمک میکرد حضور ذهنم تقویت بشه و باعث شد بتونم تعداد کلمات زیادی رو توی زمان کم مرور کنم. هر روز توی زمان های مرده (مثلا وقتی که توی ترافیک یا مترو بودم) واژه میخوندم و اینجوری از زمانم بهتر استفاده میکردم.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای گرامر:

من پایه خوبی توی بخش ریدینگ داشتم و به صورت ضمنی به ساختارهای مختلف گرامری عادت کرده بودم، اما موقع شروع تافل خوندن متوجه شدم که باید گرامرم رو تثبیت کنم و با ساختارها بهتر آشنا بشم و اشتباهاتم رو پیدا کنم. واسه خوندن گرامر بیشتر ویدئوهای یوتیوب مختلف رو می دیدم که مجموعه ویدئوهای کانال یوتیوب Learn English Lab رو خیلی دوست داشتم و مفید و ساده توضیح میداد. روش کارم هم کلا ساختارمحور و مبتنی بر مثال بود. برای هر مبحث (مثلا شرطی ها، مدل‌های مختلف ریداکشن و ...) بعد از دیدن ویدئوی مربوطه شروع میکردم به مثال نوشتن. برای مثال هم از مثال های خود ویدئو استفاده می کردم و هم توی اینترنت مثال سرچ میکردم. یه فایل word باز میکردم و توش مثال مینوشتم. اول عینا چندتا (سه یا چهارتا) از مثال های خود ویدئو و مثال های آنلاین رو توی فایل ورد تایپ می کردم (مرحله اول کلمه به کلمه صرفا تایپ و رونویسی). بعد از چندتا رونویسی خودم سعی میکردم مثال بسازم و سایر جملاتی که دیدم رو وارد این ساختارها کنم. هر روز که مطالعه میکردم حتما تمرین گرامر رو داشتم و جزو عادات حتمی ام شده بود. هر روز اگه ساختار جدید میخوندم بازم سعی میکردم مرور قبلی ها رو هم انجام بدم، و مرورم هم با نوشتن و ساختن مثال و اضافه کردن مثال به همون مثال های قبلی بود. مثال های ساختارهای مختلف رو هم کنار هم میذاشتم و با هم مقایسه میکردم (مثلا مقایسه سه نوع شرطی با هم). تثبیت و مرور گرامر رو تا روز آخر هم رها نکردم و حتی وقتی توی ماشین داشتم میرفتم به سمت حوزه امتحان هم داشتم گرامر مرور می کردم! گرامر ستون مرکزی خیمه زبان هست و به خاطر همین مدام سعی میکردم به گرامر اولویت و زمان و انرژی اختصاص بدم.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای ریدینگ:

بخش مورد علاقه من توی تافل ریدینگ بود. با موضوعات TPO ها ارتباط می گرفتم و برام جذاب بود (همه موضوعات رو دوست داشتم غیر از تاریخ هنر و ادبیات که بسیار ازش بدم میاد و عموماً هم با اشتباه زیاد جواب میدادم!) برای ریدینگ مستقیماً اومدم سراغ TPO ها و منبعی غیر از اون ها رو کار نکردم. مشکل خاصی سر ریدینگ نداشتم اما بعضی ساختارهای گرامری گاهی اذیت می کردن که با کار کردن مداوم گرامر سعی کردم مشکلتشون رو حل کنم. برای واژه ها هم ۱۲۱۲ خیلی موثر بود و تسلط کامل روش باعث شد توی سوال های وکب اصلاً به مشکل نخورم. مشکل اصلی من توی روزهای پایانی با سوال جایگذاری جمله و سامری بود که با گوش کردن ویس خانم فریناز برای سامری و روشی که آقا بهزاد برای حذف گزینه پیشنهاد داده بود مشکل این سوال رو هم نتونستم تا حد خوبی پوشش بدم. سر جلسه هم ریدینگ لانگ بودم که به جز یه متن که خیلی به نظرم چالشی و زمانبر بود، بقیه متون شبیه و در حد TPO های آخر بودن. سر جلسه چون وقت زیاد آوردم باز سوال ۹ و ۱۰ همه متن ها رو مجدداً مرور کردم تا مطمئن بشم اشتباه ندم.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای لیسنینگ:

نقطه قوت اصلی من لیسنینگ بود و کلاً خیلی کم براش تمرین کردم. پایه زبانم به خاطر سریال و موزیک و فیلم خیلی زیاد که کار کرده بودم بسیار خوب بود. اول قبل از زدن TPO کتاب کانتیمپورری رو شروع کردم که واقعا کتاب خوبی هست و بسیار مفیده، نصف کتاب اینترو رو کار کردم و بعد رفتم سراغ TPO ها. از اولین TPO ای که تمرین کردم با نمره ۲۳ شروع کردم و خیلی سریع به بازه نمره ۳۰-۲۷ رسیدم. تمام تمرکز من روی تمرین هام روی بهتر کردن نوت برداری بود. سعی می کردم نوت برداشتن رو روی بخش کلیدی جمله متمرکز کنم و با استفاده از نمادها (علائم و شکل و فلش و ...) بعضی کلمه ها و جمله ها رو خلاصه کنم. کلاً ۱۰ تا TPO برای لیسنینگ زدم و خیلی چالش خاصی سر لیسنینگ بر نخوردم که بخوام حلش کنم. به خاطر همین فکر میکنم خیلی توصیه مفیدی برای گفتن تو این بخش نداشته باشم.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای اسپیکینگ:

نقطه ضعف من اسپیکینگ بود. این رو از اول میدونستم و بعد از دیدن نمره ماک هم کاملاً برام آشکار شد. به اندازه سایر اسکیل ها قبلاً این رو کار نکرده بودم و پایه ام به اندازه سایر بخش ها قوی نبود. من با دولوپ و ایده پردازی اصلاً مشکل نداشتم و انگلیسی صحبت کردنم هم خوبه، اما وقتی به ساختار تافل میرسید نمیتونستم اونقدری که دلم میخواست خوب صحبت کنم، تلفظ و لهجه ام به شدت می افتاد و فشار زمان رو هم مدام احساس میکردم. برنامه ام برای حل این مسئله کار کردن مدام اسپیک به صورت کوتاه در طول روز بود. مثلاً در طول روز چندین وعده ۱۵ دقیقه ای صحبت میکردم. فایل آبی اعلائی رو توی گوشی سیو کرده بودم و از روی اون چندتا کار می کردم. نرم افزار اندروید Toefl speaking pro هم استفاده میکردم که نرم افزار خوب و کاربردی ای هست. بعد از ماک دادنم با خودم گفتم باید از این به بعد ۶۰ درصد زمان تمرینم رو بدم به اسپیکینگ و ۴۰ درصد برای سه اسکیل دیگه، اما هرگز این تصمیم رو نتونستم عملی کنم! تنها مانع این مسئله یه مانع روانی بود: من از سه اسکیل دیگه بسیار لذت میبردم، روشن کامل مسلط بودم و با دیدن نتیجه هام کیف میکردم ولی

این حس رو به اسپیکینگ نداشتیم. به خاطر همین مدام پرتاب میشدم سمت ریدینگ و لیسنینگ در حالی که واقعا نیازی نداشتیم اونها رو اینقدر تمرین کنم. ولی سعی کردم به تمرین اسپیک ادامه بدم، به مرور با صحبت کردن بیشتر، استرس کمتر و اعتماد به نفسم تقویت شد. تسک یک رو با فایل اعلائی و همون نرم افزار رفتم جلو و سه تسک بعد رو با TPO کار میکردم. در نهایت درسته که نمره اسپیکم با اختلاف از بقیه اسکیل هام کمتر شد، اما از نمره ام کاملا راضی ام. به نظرم این تسک از همه تسک های دیگه راحتتره و بهتر میشه توش پیشرفت کرد. فقط نیازه که قورباغه قورت داده بشه و آدم با تمرین مداوم اعتماد به نفس کافی رو به دست بیاره.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای رایتینگ:

من سابقه نوشتن به فارسی زیاد داشتم و کار تولید محتوا قبلا انجام دادم، به خاطر همین دست به نوشتن و توسعه مطلبم خوب بود. به خاطر کارم هم مکاتبات انگلیسی داشتم. برای رایتینگ مستقیما با خود TPO شروع کردم. ساختار مورد استفاده من همین ساختار معروف چهار پاراگراف و دو ریزن هست (اینترو، ریزن اول، ریزن دوم و جمع بندی). خوندن سمپل های رایتینگ دیگران خیلی برام مفید بود. یه تعدادی سمپل از یه نفر برمیداشتم، پرینت می گرفتم و همیشه دم دستم بود. ساختارهای گرامری و واژه هایی که به نظرم جالب میومد رو هایلایت می کردم و سعی میکردم توی تمرین های بعدی ام ازشون استفاده کنم. توی تسک دوم مشکل اصلی من مدیریت زمان بود که بیهو میدیدم وسط پاراگراف دوم هستم و زمان داره تموم میشه خیلی واسه ریزن اول وقت میداشتم و مجبور میشدم ریزن دوم رو سبکتر کار کنم. واسه خودم تایمر گذاشتم (۵ دقیقه ایده پردازی و اینترو، ۸ دقیقه پاراگراف دوم، ۸ دقیقه پاراگراف سوم، ۴ دقیقه جمع بندی و ۵ دقیقه مرور کل متن و اصلاح اشتباهات تایپی و نگارشی). ویس خانم الهه برای تایپیک سنتنس که توی مشعل هست هم بسیار برای من مفید بود. اصلاح و بررسی متن با استفاده از آزمون های ذهنی:

من همیشه رایت رو توی تایم مینوشتم (نهایتا دو یا سه دقیقه ارفاق) و در نتیجه همون حدود ۳۰ دقیقه برای نوشتن تسک دو وقت میداشتم، اما بعدش خیلی بیشتر از این زمان رو برای چک کردن و بررسی کردن متنم صرف میکردم. زمان بررسی ام حدودا تا یک ساعت میرسید. (همیشه رایت رو توی نرم افزار تی پی او یا تست هلپر می نوشتم اما برای بررسی کپی اش میکردم توی word) برای چک کردن متنم یه سری آزمون ذهنی واسه خودم ساختم که تقریبا چند روز مونده به امتحان اصلی به این شکل و ساختار رسید. هدف این آزمون ها بررسی کیفیت متنم بود و کم کم تبدیل به روش فکر کردن من برای رایتینگ شد. این آزمون ها روش رو به رو شدن من با متنم بودن. این آزمون ها رو در ادامه کامل شرح میدم. آزمون اول از نظر زمانی تقدم داره و اول انجام میشد، اما بقیه تقدم و تاخر ندارن و همزمان پیش برده میشدن.

۱- اصلاح غلط املائی و علائم نگارشی: بدون توجه به محتوای اول سریع یه بار فقط غلط های املائی و علائم نگارشی رو چک میکردم. من هم خدا املام افتضاح هست. درسته که اشتباه املائی تاثیر خیلی زیادی نداره روی نمره اما من اینقدری غلط داشتم که قشنگ تاثیر بذاره! سعی میکردم بعد از این آزمون اشتباهات تایپی و املائی ام رو کمتر کنم

۲- **چک کردن گرامر:** بعد از آزمون اول دوباره متن رو از اول اینبار با دقت بیشتر میخوندم و آزمون های ۲ تا ۶ رو انجام می دادم. هدف از این آزمون چک کردن گرامر استفاده شده در هر جمله بود. سوالاتی که مد نظرم بود اینا بود: آیا فعل و سابجکت هم خوانی دارن؟ آیا زمان فعل درسته؟ آیا جای قید ها درست هست؟ اگر از ساختاری مثل شرطی استفاده شده ایا درست استفاده شده؟ و سوالاتی از این دست که ناظر به کیفیت گرامر جمله بودن. هدف از این آزمون این بود که ساختار گرامری جمله ام رو چک کنم و اگر نیاز به اصلاح داره اصلاحش کنم.

۳- **بررسی نقش تاپیک سنتنس:** تاپیک سنتنس پرچمدار هر پاراگراف هست. تو این آزمون چک میکردم که آیا تاپیک سنتنس اون چه که میخوام توی پاراگراف بگم رو در بر داره یانه؟ و دوم اینکه آیا توالی و ارتباط بین جملات و تاپیک سنتنس برقرار هست یا نه؟ آیا جملات تونستن به تاپیک سنتنس مرتبط بشن؟ هدف این آزمون هم چک کردن واضح و رسا بودن تاپیک سنتنس و ارتباط پاراگراف با اون بود.

۴- **بررسی صحت کلمات و اصطلاحات:** چک میکردم که آیا کلماتی که استفاده کردم جایگاهشون اینجاست یا نه؟ هم از نظر فرمال و اینفورمال بودن هم از نظر شدت. قیدها و صفت ها شدت دارن، مثلا Happy و Blissful تقریبا هم معنی ان اما از نظر شدت یکی نیستن و من هم با این آزمون شدت بار معنایی کلمات رو چک میکردم. چک میکردم آیا میشد هر کلمه رو با یه مترادف که بهتر هست عوض کنم یا نه؟ با عوض کردن کلمات سعی می کردم کلمات جدیدتری رو استفاده و اکتیو کنم.

۵- **حذف جملات بی هدف و بی مقصد:** هر جمله باید یه کاربردی داشته باشه. یا تاپیک سنتنس هست، یا جزوی از دولوپ یا مثال یا تجربه. با خوندن هر جمله این سه سوال رو می پرسیدم: ارتباط این جمله با هدف پاراگراف چیه؟ ربطش به جمله قبل و بعد چیه؟ اگر کاملا حذف بشه ایا در متن خللی ایجاد میشه؟ اگر جمله رو میشد حذف کرد و هیچی از متن کم نمیشد این یعنی وقتم تلف شده و جمله الکی نوشتم. سعی میکردم هیچ جمله ای بیکار نباشه و یه هدفی رو دنبال کنه.

۶- **چک کردن run in نشدن:** من اوایل فکر میکردم باید جملات سنگین و طولانی بنویسم که نشون بدم خیلی بلدم! ولی بعد از دیدن نظرات حسین و توجه به سمپل های دیگران دیدم فهمیدم این کار اصلا درست نیست. استفاده از جملات طولانی من رو در معرض Run in شدن و اشتباه قرار میداد. این آزمون چک میکرد که آیا هر جمله طول مناسبی داره یا نه؟ چرا یک جمله طولانی شده؟ آیا ضرورتی داره که طولانی شده؟ اگر ضرورتی نداره پس باید جمله شکسته و کوتاه بشه. اگر ضرورت داره پس باید ساختار فعل و conjunction استفاده شده در جمله بررسی باشه که به جا و مناسب باشه.

سایر موارد:

من سرعت و دقت تایپم اصلا خوب نیست و به همین خاطر سعی کردم تایپ سریع ده انگشتی رو یاد بگیرم ولی حوصله ام نکشید و چند بار وسط کار ولش کردم. به خاطر اینکه تعداد کلمات تسک یک و دو همیشه زیاد می نوشتم ولی سرعت تایپم بد بود خیلی با تایپم سر جلسه امتحان درگیر بودم و کلی ازم وقت و انرژی گرفت و نتونستم متنم رو اون طور که دلم میخواست

ادیت کنم (۳۰ درصد آخر متنم رو نرسیدم رو دوباره بخونم). به نظرم دوستان اگه تایم دارن و زمان زیادی تا امتحانشون مونده حتما روی تاپیشون کار کنن تا سر جلسه انرژی شون صرفا برای رایتینگ بره نه مثل من برای تایپینگ! اما اگه تا امتحان زمان کمی دارین زیاد درگیرش نشین چون اولویتش اونقدر هم بالا نیست.

جمع بندی:

در کل به نظرم مهمترین مسئله برای امتحان تافل جسارت رو به رو شدن و داشتن اعتماد به نفس کافی برای این امتحانه. من همیشه به تافل به عنوان بخشی از مسیر مهاجرت نگاه کردم و اصلا به عنوان مقصد در نظرش نگرفتم. با خودم میگفتم این هم بخشی از مسیری هست که باید طی کنم. همیشه با خودم گفتم من دارم زبان میخونم و حالا بنا به خواست دانشگاه ها یه امتحان به اسم تافل هم میدم، مشکلی نیست! هر چه قدر از امتحان برای خودمون غول بسازیم و بزرگش کنیم تبدیل به چالش حل نشدنی میشه و ما رو فلج میکنه. باید باور کنیم ما از امتحان بزرگتریم و این ما هستیم که بر امتحان مسلطیم و نه بالعکس. علاوه بر اینها من هرگز روی نمره تمرکز نکردم و همیشه سعی کردم تمرکز رو از روی مسائل حاشیه ای هم بردارم. هرگز نفهمیدم و برام مهم نیست که متد نمره دهی رایتینگ چیه، یا از هیچ کس نپرسیدم اگه دو سوال ریدینگ غلط بزنی نمره مون چند میشه. به نظرم این مسائل حاشیه ای و کم اهمیت هستن و توجه بهشون باعث میشه ذهن ما از تمرکز روی عملکرد خودمون و بهبودش غافل بشه. من هرگز انرژی و تمرکز رو صرف این سوالات نکردم. حتی موقعی که رایتینگ رو برای تصحیح برای حسین توی گروه فرستادم ازش نپرسیدم با این رایت نمره ام چند میشه، ازش نپرسیدم کجای کار ضعف دارم و چه طور میتونم بهترش کنم. حسین بهم نمره نداد و من هم ازش نخواستم بهم نمره بده.

علاوه بر موارد فوق، من همیشه سعی کردم به زبان به عنوان یک مسیر نگاه کنم نه یک مقصد. سالهاست هر روز زبان میخونم و بعد از تافل هم به خوندن ادامه دادم. و در واقع من روز مرگم زبان خوندن رو رها خواهم کرد! همیشه با خودم گفتم زبان به من مهارت میده و هدف من نیست، بلکه جزئی از مسیر روزمره زندگی منه. به نظرم اگه روی مسیر خوندن زبان تمرکز کنیم تازه از زیبایی هاش لذت خواهیم برد و دیگه زبان خوندن سخت نخواهد بود. تمرکز روی مسیر به جای نگاه کردن به مقصد باعث میشه با انگیزه و انرژی بیشتری کار کنیم. زبان یک اقیانوس بی انتها هست و کافیه مسیری که دوست داریم رو پیدا کنیم و با همون زاویه توی این اقیانوس شیرجه بزنی. یکی هست اخبار دوست داره، یکی meme و جوک دوست داره، یکی موزیک دوست داره و غیره. هرکسی میتونه از مسیر مورد علاقه خودش توی این اقیانوس شنا کنه و زبان خودش رو تقویت کنه. کافیه راه مناسب خودمون رو پیدا کنیم.

تشکر:

جا داره اینجا از کل بچه های خوب گروه پرگار تشکر کنم. از همه دوستانی که فضای مفید و سازنده ای توی گروه ایجاد کردن. اما به صورت خاص لازم میدونم از آقا حسین عزیز، آقا بهزاد و فریناز خانم تشکر کنم. این بزرگواران واقعا خالصانه و بی چشم داشت توی گروه به همه کمک میکنن و واقعا من به نوبه خودم ازشون ممنونم. این روحیه ی وقت و انرژی گذاشتن برای دیگران واقعا کم پیدا میشه و باید قدرش رو بدونیم امیدوارم این عزیزان جان هر جا که هستن موفق و موید باشند.